

پیشینه

از عصر انقلاب بحرین در حدود ۶ سال می گذرد و این انقلاب با وجود فراز و نشیب‌های متعدد همواره در مسیر اصلی خود قرار داشته و تحریکات، سرکوبگری‌ها و جنایت‌های متعدد خاندان آل خلیفه علیه انقلابیون کوچکترین تأثیری بر اراده انقلابی مردم نگذاشته است. انقلاب مردم بحرین در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ میلادی (۲۵ بهمن ۱۳۹۰) سه روز پس از سقوط «حسنی مبارک» در مصر و همراه با موج خیزش‌های مسلمانان علیه رژیم‌های دیکتاتوری در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا آغاز شد. اما با نگاهی دقیق‌تر، ریشه‌های این انقلاب مردمی را حداقل باید از دهه ۱۹۷۰ میلادی و نوع رفتار خاندان حاکم بر این کشور با مردم مورد مطالعه قرار داد. پس از استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱ میلادی، چالش اصلی خاندان آل خلیفه، کسب مشروعیت سیاسی و تحکیم پایه قدرت خود بود. به همین دلیل خاندان حاکم تلاش کرد با تدوین قانون اساسی و برگزاری انتخابات پارلمانی در نیمه اول دهه ۱۹۷۰ میلادی، مشروعیت قانونی برای خود فراهم کند. اما دپری نگذشت که با مخالفت پارلمان مواجه شدد و امیر بحرین سا تصویب «قانون امنیت دولتی» در سال ۱۹۷۵، پارلمان را منحل کرد. بر اساس این قانون هرگونه اقدام یا موضع‌گیری علیه دولت، اختلال در امنیت کشور تلقی می‌شد و حکومت اجازه داشت افراد مظنون را به سرعت بازداشت و بدون محاکمه زندانی کند. این ماجرا آغاز کشمکش‌های مردم و حاکمیت بود و برخوردهای طولانی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی را به دنبال داشت. با مرگ شیخ «عیسی‌بن‌سلمان» و به قدرت رسیدن فرزند وی «محمدبن‌عیسی» پادشاه کنونی بحرین، تلاش‌های جدیدی برای پایان دادن به کشمکش‌ها و ایجاد ثبات سیاسی از سوی آل خلیفه از سر گرفته شد. محمدبن‌عیسی در فوریه ۲۰۰۱ تصمیم به برگزاری همه‌پرسی درخصوص منشور ملی اصلاحات گرفت. منشور اصلاحات محمدبن عیسی با رای ۹۸/۴درصد در سال ۲۰۰۱ میلادی مرد تأیید مردم بحرین رسید. در این منشور، تأسیس پارلمان منتخب، تفکیک قوا، استقلال قسوه قضائیه، حمایت از حقوق سیاسی زنان و آزادی‌های مدنی وعده داده شده بود. شیعیان امیدوار شدند که بر پرتو این اصلاحات به جایگاه مناسبی در ترکیب سیاسی این کشور دست یابند و منشور ملی آغازی بر پایان دوره محرومیت سیاسی آنها باشد. اما شرایط کاملا برعکس و سرکوبگری‌ها علیه مردم بیشتر شد. پادشاه بحرین با مستمسک قرار دادن این اصلاحات و فریب دادن مردم، فشارهای خود به شیعیان را بیشتر کرد، به نحوی که علاوهبر محرومیت‌های اداری، اقتصادی و اجتماعی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه شیعیان، هیچ‌گاه پست‌های کلیدی مانند وزارت دفاع، دادگستری، خارجه و کشور نصیب شیعیان نشد. سهم شیعیان از پست‌های عالی و میانی نیز به نسبت جمعیت ایشان اندک است. این در حالی است که آنان درصد بالایی از جمعیت کشور را تشکیل می دهند.

در این شرایط مردم بحرین فریب اصلاحات ظاهری و دروغین و وعده‌های توخالی آل خلیفه را نخوردند و دست به اعتراضات مدنی و مخالفت با این خاندان سرکوبگر زدند تا جایی که این حرکات اعتراضی فراگیر شد و تمام احاد مردم از دانشجوی و روحانی گرفته تا مردم عادی به خیابان‌ها ریخته و یک صدا خواستار اصلاحات در کشور و دخالت در تعیین سرنوشت سیاسی خود شدند. مردم انقلابی بحرین از ابتدا خواستار سرنوختی حمد بن عیسی نبودند، اما به دلیل سرکوبگری‌ها و جنایات روز افزون آل خلیفه خواسته‌های انقلابی مردم تغییر و خواهان سرنوختی پادشاه بحرین شدند. رژیم بحرین با استفاده از ارتد کردن مزدورانی از کشورهای عربستان و پاکستان تلاش کرد تا این ملت را سرکوب و صدای انقلابیون را خاموش کند و در این راه از هیچ جنایتی فروگذار نکرد، مساجد و حسینیه‌ها و نمازهای شیعیان را ویران کرد ، هزاران کارمند و دانشجو را اخراج کرده و تعداد زیادی را به زندان‌ها انداخت و وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها را در مورد آنان اعمال کرد. با این وجود، قادر به مهار انقلاب مردمی نشد و حضور مردم و مشارکت مردمی در این انقلاب بود بر روز بیشتر شد به نحوی که همه مردم یکپارچه و مه‌صدا خواستار تغییر رژیم بحرین شدند. پس از خشونت‌های میدان لؤلؤ و سرکوب معترضان توسط رژیم آل خلیفه، تظاهرات و اعتراضات مردمی گسترده‌تر شد و بخش عمده‌ای از مردم به جمع انقلابیون پیوستند. محمدبن عیسی در این شرایط نمایندگان وابسته به «جمعیت الوفاق» که بزرگترین جریان شیعی مخالف حکومت

اولین نشست وزارت دفاع کشورهای عضو ائتلاف به اصطلاح اسلامی ضدتروریسم عربستان سعودی روز یکشنبه پنجم ماه جاری در شهر ریاض برگزار شد؛ ائتلافی که عربستان سعودی آن را در ۱۴ دسامبر سال ۲۰۱۵ تشکیل داده بود. در این نشست، «راحیل شریف» فرمانده ائتلاف و تعدادی از مقامات عربی شرکت‌کننده در آن، سخنرانی کردند. «راحیل شریف» فرمانده پاکستانی ائتلاف در این نشست گفت: «قصد داریم منابع مالی مشتبه‌های تروریستی را بخشانیم. دولت‌های اسلامی در حال پرداخت تاوان ایستادگی خود در برابر تروریسم هستند. باید یک واکنش دسته جمعی به تروریست‌ها نشان داد. این ائتلاف هیچ کشور و دینی را هدف قرار نخواهد داد.»

در همین حال، «محمد بن سلمان»، ولیعهد عربستان سعودی نیز در این نشست مدعی شد: «بزرگ‌ترین خطر تروریسم، خدشه‌دار کردن اعتقادات اسلامی ما است و اجازه آن را نمی‌دهیم و اجازه نخواهیم داد که تروریسم وجهه دین ما را خدشه‌دار کند و در راستای ایجاد رعب و وحشت غیرنظامیان در کشورهای اسلامی حرکت کند. امروز در راستای همکاری و هماهنگی با یکدیگر برای مبارزه با تروریسم حرکت می‌کنیم. این تروریسم وجهه دین مبین اسلام را خدشه‌دار می‌کند و این سبب می‌شود که ما با جدیت بیشتر برای مبارزه با تروریسم به منظور غلبه نهایی بر آن حرکت و عمل کنیم.»

و عمل کنیم.»

و عمل کنیم.»

به نظر می‌رسد که «محمد بن سلمان» ولیعهد جوان و مغرور سعودی که زمزمه‌های روی کار آمدنش در این کشور روز به روز بیشتر می‌شود، با ارائه نمایش مضحک «ائتلاف به اصطاح ضدتروریسم» به دنبال تکمیل پازل قدرت خود در عرصه منطقه‌ای و جهانی است. بن‌سلمان تاکنون با اتخاذ سیاست‌های ضرتبی و سرکوبگرانه علیه شاهزادگان و کانون‌های قدرت و ثروت در عربستان، موفق شده تا حدود زیادی قدرت خود را داخل مرزهای این کشور بسط دهد. از همین روی، وی اکنون به این فکر افتاده تا از طریق فعال‌سازی ائتلافی که در سال ۲۰۱۵ توسط ریاض تشکیل شده است، برای تکمیل پازل قدرتش در منطقه و جهان تلاش کند. در واقع، برگزاری اولین نشست وزرای دفاع کشورهای عضو ائتلاف ضدتروریستی عربستان آن هم در آستانه تکیه زند بن سلمان بر کرسی قدرت، نوعی «قدرت‌نمایی» و «عرض اندام» از سوی ولیعهد سعودی برای قدرت‌های خارجی از جمله کشورهای غربی ایالات متحده است تا وی را به عنوان یکی از کانون‌های قدرت در منطقه جدی بگیرند. مقامات ریاض درحالی شعار مبارزه با تروریسم را سر می‌دهند و برای آن نشستی را در سطح وزرای دفاع برگزار می‌کنند که امروز دیگر کمتر کسی در این مسئله تردید دارد که عربستان سعودی خاستگاه ایدئولوژی وهابیت و افراطی‌گری است؛ ایدئولوژی که تکفیری‌های القاعده، داعش و جبهه النصره محصول آن هستند و مدت‌هاست در قامت یکی خاتمان سوز به جان ملت‌های بی‌دفاع و بی‌گناه برخی ملت‌های منطقه افتاده‌اند. از همین رو، باید گفت که محمد بن سلمان برای تکمیل تریدان کسب قدرت خود در داخل و خارج از مرزهای عربستان سعودی با انتخاب پوشش «مبارزه با تروریسم»، اشتباه بزرگی را مرتکب شده است، چرا که این نمایش مضحک برای کمتر کسی باورپذیر خواهد بود.

طراحی سناریو برای مرحله پسداداعش

در سوریه و عراق

در این میان، برگزاری اولین نشست وزرای دفاع عضو ائتلاف ضدتروریستی عربستان آن هم در فاصله بسیار کوتاهی از اعلام ریشه‌کن شدن «شجره خبیثه داعش» در سرزمین‌های عراق و شام نشان می‌دهد که سعودی‌ها پس از شکست غیرقابل پیش‌بینی

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir



شیخ عیسی قاسم نماد انقلاب بحرین و کابوس آل خلیفه

بازداشت علمای برجسته بحرینی و احضار شمار زیادی از آنها توسط رژیم آل خلیفه در حالی اتفاق می‌افتد که این افراد تاکنون مرتکب هیچ اقدامی علیه امنیت ملی بحرین نشده‌اند. رژیم آل خلیفه بر خلاف ادعاهای دروغین خود، تا به امروز حتی یک فایل ویدیویی از این افراد که در آن مردم را به افراطی‌گری و خشونت دعوت کرده باشند، منتشر نکرده است، چراکه اساسا چنین فایلی وجود خارجی ندارد.

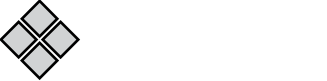


آل خلیفه می‌باشند، از پارلمان استعفا کردند. دیگر احزاب و جنبش‌های بحرینی همچون الوفاء و جنبش الاحرار نیز به فعالیت‌های اعتراضی خود علیه نظام آل خلیفه پرداختند.

نقش علما و روحانیون

آل خلیفه با نگاهی به دور و اطراف خود و بررسی اوضاع دیگر کشورها، به این نتیجه رسیده که تا به امروز هیچ انتفاضه مردمی بدون وجود رهبری هدایت‌کننده به سرمنزمل مقصود نرسیده است به همین دلیل به نحو بی‌سابقه‌ای علماء و روحانیون برجسته این کشور را هدف قرار داده است. این رژیم به خوبی می‌داند که مردم بحرین بدون داشتن افرادی که مسیر را به آنها نشان دهند، قادر به حفظ انسجام خود برای تداوم اعتراضات علیه آل خلیفه نیستند. از همین رو، در اقدامی کاملا تاکتیکی، به جای بازداشت ده‌ها و سدها معترض، به بازداشت شماری از علماء روی آورده است. نکته قابل تأمل در سلسله اقدامات سرکوبگرانه آل خلیفه علیه علمای بحرینی این است که تمامی این افراد از حامیان سرسخت «شیخ عیسی قاسم» (روحانی برجسته شیعه) محسوب می‌شوند و کلیه فعالیت‌های اعتراضی خود را تحت محوریت ایشان قرار داده‌اند. رژیم آل خلیفه با دستگیری شمار زیادی از علمای برجسته بحرینی و احضار تعدادی دیگر تلاش می‌کند تا این پیام را به مخالفان خود برساند که نقشی برای علما و روحانیون شیعه در نظام حکومتی قابل نیست و نمی‌خواهد از حضور آنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی استفاده کند و دستگیری ، سلب تابعیت و محاکمه شیخ عیسی قاسم دقیقا در راستای چنین هدفی صورت گرفته است. در واقع می‌توان سلسله بازداشت‌های روحانیون را در همین راستا تلقی کرد که آل خلیفه قصد دارد زمینه مناسب برای محاکمه این روحانی برجسته شیعی را فراهم آورد. در حال

با آغاز قیام مردمی بحرین در ۱۴ فوریه ۲۰۱۱، شیخ عیسی قاسم، رهبری مردم این کشور را در هدایت اعتراضات مسالمت‌آمیزشان نسبت به ظلم و ستم آل خلیفه و مطالبه حقوق برحقشان از این خاندان ظالم بر عهده گرفت و هر گاه آل خلیفه با ترغند و توطئه‌ای خواسته تا با فریب مردم و به بهانه انجام مذاکرات و گفت‌وگو با مخالفان آتش قیام آنها را فرو بنشانند، شیخ‌عیسی قاسم در کنار دیگر علمای این کشور با روشنگری‌های خویش، ترغندهای آل خلیفه را نقش بر آب ساخته است.



تا اواخر سال ۱۳۷۹ در ایران حضور داشت و سپس برای نقش‌آفرینی در تحولات بحرین به زادگاه خود بازگشت، با آغاز فعالیت برای تأسیس پارلمان بحرین که قصد داشت پس از شکل‌گیری کشور، کار تدوین قانونی اساسی بحرین را به انجام برساند، مردم بحرین از شیخ قاسم خواستند با بازگشت به این کشور خود را برای حضور در این پارلمان کاندیدا نمایند و در عمل شیخ عیسی موفق شد با بالاترین رأی به پارلمان بحرین راه

پاید و در کنار جریان اسلامگرای پارلمان، نقش مهمی در تدوین مواد و بندهای اسلامی در قانون اساسی بحرین ایفا کند. با آغاز قیام مردمی بحرین در ۱۴ فوریه ، شیخ عیسی قاسم، رهبری مردم این کشور را در هدایت اعتراضات مسالمت‌آمیزشان نسبت به ظلم و ستم آل خلیفه و مطالبه حقوق برحقشان از این خاندان ظالم بر عهده گرفت و هر گاه آل خلیفه با ترغند و توطئه‌ای خواسته تا با فریب مردم و به بهانه انجام مذاکرات و گشت و‌گو با مخالفان آتش قیام آنها را فرو بنشانند، شیخ عیسی قاسم در کنار دیگر علمای این کشور با روشنگری‌های خویش، ترغندهای آل خلیفه را نقش بر آب ساخته است. پادشاه بحرین نیزبه اقدامات خود علیه روحانیون ادامه داده و در همین رابطه، دادگاه وابسته به رژیم آل خلیفه طی حکمی، تابعیت شیخ عیسی قاسم را لغو و او را تحت پیگرد قانونی رای محاکمه قرار داد. آل خلیفه تلاش می‌کند تا ضمن جلوگیری از ظهور و بروز هرگونه تشنج، با برگزاری جلسات متعدد دادگاه و تعویق آنها، افکار عمومی را برای محاکمه نهایی شیخ عیسی قاسم آماده کند. رژیم آل خلیفه به خوبی می‌داند که محاکمه شیخ

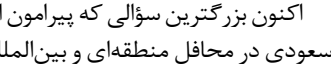
عالی ترین مرجع شیعه در بحرین

در حال حاضر شیخ عیسی قاسم عالی‌ترین مرجع شیعه در بحرین و رهبر سیاسی، مذهبی مردم این کشور است. وی از برجسته‌ترین علما و رهبران سیاسی بحرین است که در روستای «الدراز» از روستاهای اطراف منامه در پایتخت بحرین دیده به جهان گشوده و تحصیلات مقدماتی خود را در مدارس این روستا به پایان رسانده است. وی تحصیلات علوم دینی خود را در بحرین در دهه ۱۹۶۰ میلادی با حضور در محضر شیخ «علوی الرفیعی» آغاز کرد و سپس راهی نجف‌شارف شد تا به تحصیل علوم دینی و از جمله فقه در آن بپردازد. وی از جمله دانش‌آموختگان آیت‌الله شهید «سید محمدباقر صدر» است.

شیخ عیسی قاسم پس از دفاع مقدس، راهی ایران شد و از محضر اساتیدی مانند آیت‌الله فاضل لنگرانی و سید محمود شاهرودی استفاده کرد. سفر شیخ به ایران در شناسایی او به عنوان عالمی متدین و شجاع تاثیر بسیار داشت و رهبر معظم انقلاب با همین شناخت شیخ را به عنوان نماینده بحرین در مجمع جهانی اهل بیت برگزیدند. شیخ عیسی قاسم **بن سلمان تاکنون با انتخاب‌های سرکوبگرانه علیه شاهزادگان و کانون‌های قدرت و ثروت در عربستان، موفق شده تا حدود زیادی قدرت خود را در داخل مرزهای این کشور بسط دهد. از همین رو، اکنون به این فکر افتاده تا از طریق فعال‌سازی ائتلافی که در سال ۲۰۱۵ توسط ریاض تشکیل شده است، برای تکمیل پازل قدرتش در منطقه‌ای جهانی است.**



«محمد بن سلمان» ولیعهد جوان و خام سعودی که زمزمه‌های روی کار آمدنش در این کشور روز به روز بیشتر می‌شود، با ارائه نمایش مضحک ائتلاف به اصطلاح ضدتروریسم به دنبال تکمیل پازل قدرت خود در عرصه منطقه‌ای و جهانی است.



مزدوران دست‌پرووده خود، در تدارک سناریوی جدیدی برای پیشبرد اهدافشان در سوریه و عراق هستند. پرواض است، برای عربستان سعودی آسان نیست که پس از سال‌ها صرف هزینه‌های هنگفت و سرسام‌آور در حمایت از گروه‌های تروریستی در سوریه و عراق، امروز و به دنبال شکست داعش، به راحتی از این دو کشور خارج شود. بر همین اساس، بدون هیچگونه تردیدی آل سعود در زیر چتر یک ائتلاف ضدتروریستی درصدد توطئه چینی جدیدی برای ایفای نقش جدید خود در سوریه و عراق برآمده است تا به زعم خود، به حداقل اهداف از پیش برنام‌ریزی شده‌اش در آنجا دست پیدا کند.

ائتلاف ضدتروریستی یا ضدایرانی؟

اکنون بزرگ‌ترین سؤالی که پیرامون ائتلاف تازه تأسیس عربستان سعودی در محافل منطقه‌ای و بین‌المللی مطرح می‌شود، این است که این ائتلاف به راستی یک ائتلاف ضدتروریستی است و یا در واقع، ائتلافی علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود؟ عربستان سعودی طی سال‌های گذشته این واقعیت را به اثبات رسانده است و درصدد در نقطه مقابل جمهوری اسلامی ایران ایستاده است و برای مقابله و مواجهه با تهران از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند. بنابراین، بدون شک مقابله با تهران یکی از اهداف مهم سعودی‌ها از تشکیل ائتلاف ضدتروریستی بوده است. حتی طی همین چند هفته اخیر صراحتا ایران را حامی اول تروریسم در منطقه و جهان خواندند! این مسئله نشان می‌دهد که در ائتلاف عربستان سعودی در حقیقت برای رویارویی با ایران تشکیل شده و نه برای مبارزه با تروریسم حقیقی. درهمین ارتباط، خبرگزاری «ویچچه‌وله» آلمان با انتشار مقاله‌ای، با بررسی اهداف ائتلاف ضدتروریستی عربستان، مقاصد اعلامی محمد بن سلمان از تشکیل ائتلاف را زیر سؤال برد و نوشت: «ائتلاف ضدتروریستی عربستان در حقیقت علیه ایران

عیسی قاسم، صبر مردم بحرین را لبریز خواهد کرد و پاسخ آنها به این اقدام، دندان‌شکن خواهد بود. بر همین اساس، آل خلیفه تلاش می‌کند تا حتی الامکان جلسات محاکمه شیخ عیسی قاسم را به تعویق بیندازد تا بدین ترتیب ضمن عادی‌سازی مسئله محاکمه وی، افکار عمومی برای تحمل این اقدام، آماده شوند. با این وجود مردم انقلابی همچنان پرشور در صحنه حاضر هستند و طی ماه‌های اخیر حمایت بی‌نظیری را از رهبر خود، شیخ عیسی قاسم به نمایش گذاشته‌اند. آل خلیفه تلاش می‌کند تا در سایه سکوت نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و همچنین سیاست‌های تبعیض‌آمیز و سرکوبگرانه خود را به مردم بحرین تحمیل کند، چرا که گمان می‌کنند اگر فشارهای خود بر مردم و انقلابیون را تشدید کنند، آنها از بگیری مطالبات مشروع و به حق خود دست خواهند کشید و به زندگی زیر یوغ ظلم و ستم آل خلیفه تن درخواهند داد.

این در حالی است که مردم بحرین به خوبی به حربه جدید رژیم آل خلیفه پی برده و همچنان به حمایت‌های چشمگیر و بی‌دریغ خود از رهبر شیعیان، ادامه می‌دهند. تحصن مردم بحرین در منطقه «الدراز»، محل سکونت شیخ عیسی قاسم، از همان زمانی که ایشان سلب تابعیت شدند به تنهایی گواه بر این مدعا است. تحصن‌کنندگان همواره بر مخالفت با محاکمه ظالمانه عیسی قاسم و پایبندی به حق تعیین سرنوشت خود

پادشاه بحرین با مستمسک قرار دادن اصلاحات ظاهری و قرب دادن مردم، فشارهای خود بر شیعیان را بیشتر کرده به نحوی که علاوهبر محرومیت‌های اداری، اقتصادی و اجتماعی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه شیعیان، هیچ‌گاه پست‌های کلیدی نصیب شیعیان نشده و این در حالی است که آنان درصد بالایی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.



پادشاه بحرین با مستمسک قرار دادن اصلاحات ظاهری و قرب دادن مردم، فشارهای خود بر شیعیان را بیشتر کرده به نحوی که علاوهبر محرومیت‌های اداری، اقتصادی و اجتماعی و سیاست‌های تبعیض‌آمیز علیه شیعیان، هیچ‌گاه پست‌های کلیدی نصیب شیعیان نشده و این در حالی است که آنان درصد بالایی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند.



تاکید می‌کنند. بسیاری از تحلیلگران، توطئه آل خلیفه علیه شیخ عیسی قاسم را موجب لبریز شدن صبر مردم و احتمالاً روی آوردن آنها به مبارزه مسلحانه می‌دانند. این تحلیلگران معتقدند انقلاب بحرین با توجه به پیشینه و ریشه‌های تاریخی خود دیر با زود به نتیجه می‌رسد و خاندان آل خلیفه مجبور خواهند شد قدرت را به مردم، یعنی صاحبان اصلی کشور بحرین، واگذار کنند.

برگزاری اولین نشست وزرای دفاع کشورهای عضو ائتلاف ضدتروریستی عربستان آن هم در آستانه تکیه زند بن سلمان بر کرسی قدرت، نوعی «قدرت‌نمایی» و «عرض اندام» از سوی ولیعهد سعودی برای قدرت‌های خارجی است تا وی را به عنوان یکی از کانون‌های قدرت در منطقه جدی بگیرند.



آن دست و پنجه نرم می‌کند، رهایی یابد.

نسخه برابر اصل ائتلاف آمریکایی

ائتلاف ضدتروریستی عربستان سعودی در واقع نسخه‌ای مشابه ائتلاف بین‌المللی استت که آمریکا در سال ۲۰۱۴ آن را به بهانه مبارزه با تروریسم در سوریه و عراق، تشکیل داده است. ائتلاف آمریکایی از آن زمان تاکنون نه تنها هیچ دستاورد مثبتی را در عرصه نبرد با تکفیری‌ها به دست نیاورده است، بلکه موجبات گسترش تروریسم در هر دو کشور را نیز فراهم کرد. آمریکایی‌ها با اتخاذ ژست مقابله با تکفیری‌ها و پنهان کردن خود زیر سایه شعار دروغین «مبارزه با تروریسم» در طول این مدت ده‌ها هزار نفر از غیرنظامیان سوری و عراقی و همچنین هزاران تن از نیروهای نظامی



مقامات ریاض در حالی شعار مبارزه با تروریسم را سر می‌دهند و برای آن نشستی را در سطح وزرای دفاع برگزار می‌کنند که امروز دیگر کمتر کسی در این مسئله تردید دارد که سعودی خاستگاه ایدئولوژی وهابیت و افراطی‌گری است؛ ایدئولوژی که تکفیری‌های القاعده، داعش و جبهه النصره محصول آن هستند و مدت‌هاست در قامت پلایی خاتمان سوز به جان ملت‌های بی‌دفاع و بی‌گناه برخی ملت‌های منطقه افتاده‌اند.

در منطقه و شکست‌های سنگینی که ریاض در سوریه، عراق و یمن و همچنین در عرصه مواجهه و مقابله با جمهوری اسلامی ایران متحمل شده است، سعودی‌ها به دنبال آن هستند تا از رهگذر فعال سازی رهبری خود بر ائتلاف ضدتروریستی، گامی را در راستای بازای نقش‌شان در جهان اسلام و عرب بردارند. عربستان سعودی این واقعیت آشکار اما تلخ را درک کرده است که به طور کلی از معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی کنار گذاشته شده و به نوعی منزوی شده است. درست به همین دلیل است که برای القاء رهبری خود بر کشورهای اسلامی و عربی ائتلافی را تشکیل داده تا بتواند از بحران مشروعیتی که مدت‌هاست با